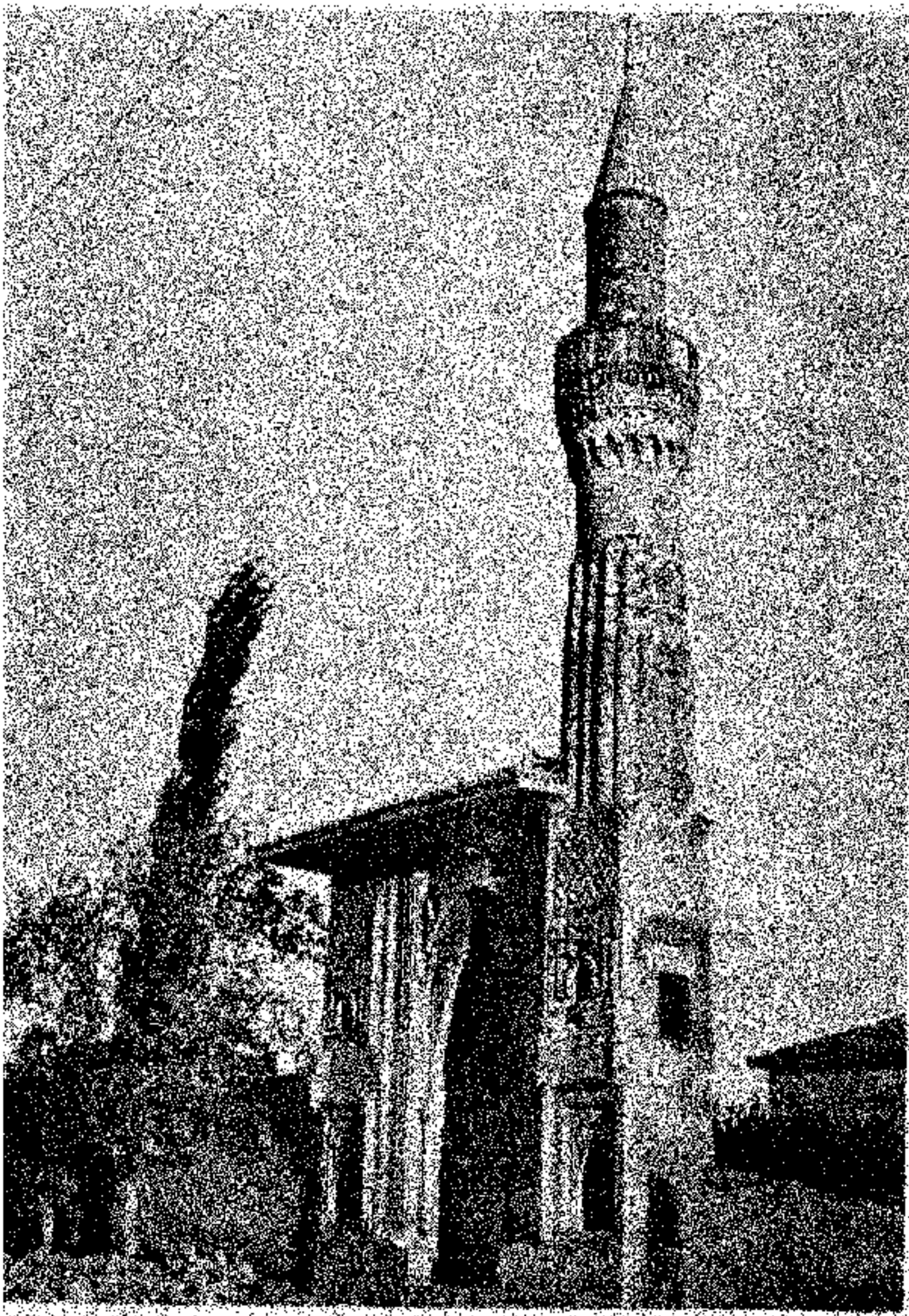


## از آن گذشته اگر بدرجه نفوذشاعران در آن روزها و تأثیر گفتار آنها در اوضاع



ت - قوتیه : مسجد صاحب عطا

اجتماعی واقف شویم (بزودی در آن باب صحبت میداریم) قبول این مطالب بر ما آسان میشود. در همین امر و زینتر و تمنندان غرب پنجاه هزار و صد هزار لیره برای خرید يك تابلو یا یکی از آثار باستانی میپردازند و کوچکترین سود و زیانی از آن اشیاء تصور نمیرود. همین دیروز این خبر را خواندیم که مرگان میلیونر امریکا چندین تابلو رابه يك میلیون لیره خریده تا به بعضی از موزهها اهداء کند. (سال ۱۹۰۳ میلادی)

علاوه بر همه در ضمن مطالعه مطالب تاریخی پاره‌ای وقایع بر میخوریم که صحت مطالب مذکور را تأیید میکند و از آن جمله داستان مامل شاعر و مهدی ولیعهد خلیفه عباسی است. مامل میگوید هنگامی که مهدی ولیعهد منصور درری اقامت داشت نزد وی رفتم و قصیده‌ای در مدحش سرودم مهدی بیست هزار درهم بمن جایزه داد پدرش منصور که این را دانست نامه‌ای بمهدی نوشته او را ملامت کرد که اگر شاعری يك سال در آستانه تو بماند و مدیحه بسراید مستحق چهار هزار درهم میشود نه اینکه یکبار بیست هزار درهم به يك شاعر صله بدهی. - سپس منصور مرا احضار کرد و چون پیش او رسیدم بمن گفت جوان بی تجربه‌ای را فریب دادی و پول زیاد گرفتی من گفتم آری ای خلیفه، جوان سخاوتمند بی تجربه‌ای را دیدم و فریبش دادم منصور گفت شعرها را بخوان من شروع بخواندن قصیده کردم و مطلع آن چنین بود :

#### ترجمه اشعار

«این همان مهدی است جز اینکه چهره‌اش ماه درخشان میباشد...»  
منصور گفت به به راست گفتی اما پولها که جاست گفتم همراه آورده ام آنگاه منصور ربیع خادم را گفت با من بیاید، چهار هزار درهم از بیست هزار درهم را بمن بدهد و شانزده هزار درهم را نزد منصور بیاورد و او چنان کرد.

همین داستان خود دلیل روشنی است که صله شعراء غالباً هزارها بوده است.

حال دانستن این نکته نیز بی فایده نیست که آیا خلفاء از کیسه

خود می بخشیدند و یا از اموال عمومی (بیت المال) حواله

میدادند؟ پاسخ قاطعی برای این پرسش نیست زیرا مدرک

کاملی بدست نیاورده‌ایم ولی سکوت تاریخ نویسان میرساند

آیا این بذل و بخششها

از کیسه خلیفه

بوده است ؟

که بخشش ها از بیت المال بوده است بخصوص که خلیفه خود را صاحب اختیار مسلمانان میدانسته و هر چه میخواسته از اموال عمومی (برای صلاح مسلمانان) بشاعری صله میداده و یا بدیگری هبه میکرده است .

اما در ضمن مطالعه احوالات هادی خلیفه عباسی باین موضوع بر میخوریم که وی خزانه مخصوص بخود داشته است ، و چنین مفهوم میشود که خلفاء بذل و بخشش ها را از بیت المال حواله میدادند و اگر با اعتراض و مسامحه وزیران بر میخوردند آنرا از خزانه خاص خود می برداختند و از آن جمله است حکایت هادی و عیسی بن داب سخنور نامی حجاز که بواسطه شیرین زبانی و خوش صحبتی مقرب آستان هادی بوده است و در یکی از موارد هادی سی هزار دینار پول حواله داد عیسی گماشته خود را نزد حاجب فرستاد که پول را بستاند حاجب گفت باید از دیوان و مأمور توفیق مطالبه شود عیسی که اینرا دانست بملازم خود گفت فعلا صرف نظر کن و جائی نرو ، این گذشت تا آنکه روزی هادی از ایوان کاخ شهر بغداد را تماشا میکرد و چشمش بعیسی افتاد که فقط يك غلام دنبال اوست ، هادی عیسی را احضار کرده پرسید چرا لباس شسته است و برای زمستان لباس تازه نخریده ای عیسی گفت دستم کوتاه است هادی گفت ، همین چهار روز پیش سی هزار دینار حواله دادیم عیسی اظهار داشت که حواله را ندادند هادی خزانه دار مخصوص خود را احضار کرده دستور داد از خزانه خودش همان ساعت سی هزار دینار آوردند و بعیسی دادند .

بنا بر این معلوم میشود که اینگونه بذل و بخشش ها ابتداء به بیت المال حواله میشده و اگر در آنجا بمانی بر میخورده از کیسه خلیفه تأدیه میگشته است .

چیزی شبیه باین داستان از هرون و یحیی برمکی نقل میشود که موقعی هرون صد هزار دینار به یحیی حواله کرد تا برای خرید کنیز کی پردازد این قیمت در نظر یحیی گزاف آمد و از پرداخت آن عذر خواست ، هرون بی اندازه بخشم رفت و یحیی برای آنکه زیادی آن پول را مجسم کند دینارها را تبدیل بدرهم نموده و يك میلیون ونیم درهم در حوضخانه ای که هرون در آنجا وضو میگرفت روی هم انباشت و همینکه هرون برای وضو از آن محل گذشت و آن خرمن پول را دید بنظرش بسیار رسید

و چون دانست بهای يك كنيز كی بوده البته متأثر شد اما در ضمن کینه یحیی را در دل گرفت که چگونه روی حرف او حرف میزند و فرمانش را نمی پذیرد و از قرار مذکور یکم از موجبات تعرض هرون به برهکیان همین پیش آمده شده است. موقعی هم واثو (خلیفه عباسی) بوزیر خود ابن زیات حواله کرد که مبلغ هنگفتی بابت بهای کنیز که بدهد و چون ابن زیات قدری تعلل ورزید خلیفه او را مجبور ساخت که دو مقابل آن مبلغ را تأدیه کند.

داستان مکاتبه هرون و سفیان ثوری نیز دلیل بر آن است که خلیفه از بیت المال مسلمین همه نوع بذل و بخشش میکرده و صلح و هدیه و جایزه میداده است. مختص آن تفصیل اینکه هرون نامه به سفیان ثوری (مقیم کوفه) نوشته ویرا خبر داد که من (هرون) در بیت المال را گشوده ام و خاص و عام را از هدایا و عطایا بهره مند ساخته ام سفیان نامه ای در پاسخ هرون نوشته او را بسختی از این اسراف کاری مسامحه نموده گفت:

«این نامه را بنویسم و یاد آورم بشوم که از این پس رشته دوستی نور ابرید چه که خودت در نامه ای که بمن نوشته ای اقرار کرده ای که بر بیت المال مسلمانان همچو آوردی و آنچه خواستی بدون حق و عدالت داده ای و بخشیده ای تو آنرا نوشتی و خود را بر خودت گواه گرفتی من و کسانی که نزد من بودند و آن را نامه را خواندند و شنیدند نیز گواه هستند و روز باز پرس پیش خدای دادستان گواهی میدهند. ای هرون چرا بنحزانه مسلمانان حمله ور شدی، کی بتوانی اجازه را داده است...»

آیا آوارگان اجازه داده اند؟ آیا مردانی که در راه خدا شمشیر میزنند اجازه داده اند؟ آیا یوه زنان و یتیمان اجازه داده اند؟ آیا قاریان قرآن و کسانی که بقرآن عمل میکنند اجازه داده اند؟ آیا مأمورین جمع آوری مالیات اجازه داده اند؟ آیا کسانی که باید از این اموال دلشان بدست آورده شود بتو چنین اجازه داده اند؟ آیا مردمی که رعیت تو هستند اجازه داده اند؟»

این نامه میر سلیم که خلفاء از موجودی بیت المال همه نوع ول خرجی و بذل و بخشش و اسراف کاری میکرده اند و در هر حال گفته های سفیان ثوری به هرون مانند گفته های

اباذرغفاری بعثمان میباید

#### ۴- تنوع و فزونی هزینه‌های دولتی

در جلد اول این کتاب گفته شد که چگونه تأسیسات دولت های اسلامی بتدریج توسعه یافت و در آغاز کار، خود پیغمبر، امیر و وزیر و قاضی و فرمانده بود، و در زمان خلفای راشدین شماره مأمورین دولت اسلام بشش نفر رسید. و در زمان بنی امیه و بنی عباس که مملکت توسعه یافت و مردم تمدن شدند تأسیسات دولتی اسلام نیز وسیع گشت و کارمندان طبعاً زیاد شدند و هر قدر که ثروت خلفاء فزونی یافت و دستگاه تجمل آنان بیشتر شد خدم و حشم و مأمورین نیز اضافه شدند، بقسمی که عده آنان در زمان هرون بیش از زمان منصور و زمان مأمون افزونتر از زمان هرون گشت. و همینقسم بمیزان افزایش تجملات، مأمورین و کارمندان دولتی و درباری زیاد شدند، چنانکه در صورت تنظیمی دوره معتضد (قبلاً درج شد) نام کارمندانی مانند آشپزان و ندیمان و رکابداران و غلام پیشخدمتان و بندگان ذکر شد که در آغاز دولت عباسی نامی از آنان نبوده است، همینقسم عده ای از خدمتگزاران مخصوص مانند پزشکان و سازندگان و مسخرگان در آن صورت ذکر شده که بنا به مقتضیات تجمل طلبی و خوشگذرانی وارد خدمت دولتی شده اند.

یکی دیگر از موجبات افزونی هزینه و تهی ماندن بیت المال اینکه پاره ای از مخارج در سابق از محل های دیگری غیر از محل بیت المال پرداخت میشد، و در اواسط دوره عباسی بر بیت المال تحمیل شده بود، حال چرا این وضع پیش آمد جهتش معلوم نیست، فقط در ضمن رسیدگی بمدارك تاریخی مسلم میشود که چنین وضعی پیش آمده بود، مثلاً از تطبیق صورت هزینه ایام خلافت معتضد در سال ۲۹۷ و صورت هزینه علی بن عیسی در سال ۳۰۶ مسلم میگردد که پاره ای مخارج مانند هزینه حرمین ( مکه و مدینه ) و مستمری قضاة و متصدیان امور حسبی و برید در سراسر کشور، هزینه شهرهای مرزی تماماً در دوره علی بن عیسی از بیت المال تأدیه میشده است، در صورتیکه ارقام مزبور در صورت هزینه دوره معتضد دیده نمیشود. در اوایل دوره عباسی که خلفاء قدرت داشتند مخارج مزبور از بابت مالیات محل تأدیه میگشت

ولی همینکه خلفاء ضعیف شدند اعمال سایر نقاط از پرداخت آن خود داری کردند و خلیفه ناچار از بیت المال مرکزی آنرا تأدیه میکرد.

در جلد اول این کتاب گفته شد که: مالیات سرحدات بمرکز خلافت نمیآمد و بمصرف امور محلی میرسید، در عوض غنیمت های زیادی که از جنگ های سرحدات عاید میشد برای خلیفه ارسال میگشت، اما در دوره انحطاط که مرکز خلافت ناتوان و زبون گشت فتوحات سرحدات از بین رفت و مخارج شهرهای مرزی بر بیت المال تحمیل شد و بر مبالغ آن افزوده گشت، مثلاً در اوایل دوره عباسی هزینه امور مرزی سالی صد هزار دینار بود و از محل درآمد همان شهرها بمصرف میرسید. اما در زمان مقتدر هزینه مزبور به نیم میلیون دینار رسید و علاوه بر آن مخارج، حقوق سپاهیان و امثال آنان نیز فرونی یافت.

نه تنها مؤسسات جدیدی در دولت عباسی پدید آمد بلکه

#### ۴- فرونی حقوق

##### کارمندان

بودجه مؤسسات سابق نیز اضافه گشت و این طبیعی است که

چون ثروت فرونی یابد حقوق کارمندان دولتی نیز افزود

گردد. حال اگر وضع سیاسی آن دولت متزلزل باشد و محل ناپستی برای پرداخت

آن حقوق های گزاف پیدا نشود ثروت دولت روبه نقصان میگذارد و بحران اقتصادی

شدت میکند و برای رفع این بحران مالیات های جدیدی وضع میشود و

وصول مالیاتها شدت بکار میرود و در نتیجه کشور رو بوبرانی میگذارد و مردم دست

از کار و کاسبی برمیدارند.

در زمان پیغمبر (ص) و ابوبکر مسلمانان از راه تحصیل غنیمت هازندگی میکردند

و میزان درآمد آنان بسته بمقدار غنیمت هائی بود که بچنگ میآوردند، عمر این ترتیب

را برهم زد و دیوان و دفتر تنظیم کرده برای هر کس حقوقی معین نمود ولی میزان حقوق

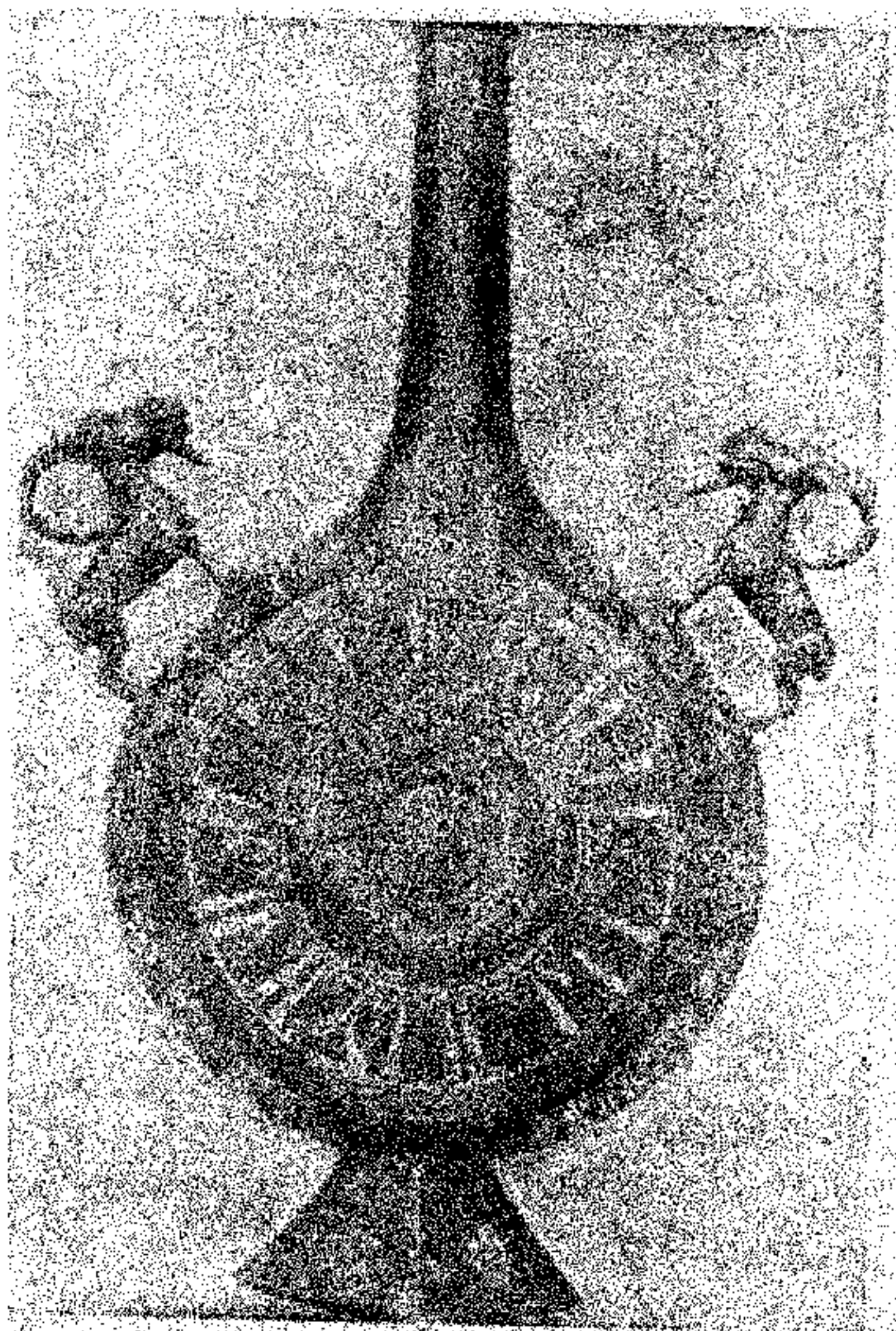
آنان بکارشان مربوط نبود بلکه سابقه اسلام و انتساب به پیغمبران میزان کمی و زیاد

حقوق محسوب شد و چه بسا که يك نویسنده یا قاضی یا والی با وجود اختلاف مشاغل

حقوق مساوی میگرفتند اما همینکه مؤسسات دولتی توسعه یافت ناچار آن وضع در

تغییر داده بر حسب مشاغل حقوق برقرار شد و طبعاً حقوق قاضی و حاجب و نویسند

ووالی و غیره باهم فرق پیدا کرد و در زمان عباسیان که منصب جدیدی بنام وزارت پدید



تنگه نقره کوب متعلق بقرون ششم هجری

آمد حقوق مخصوص هم برای وزیر معین شد و البته با تغییر زمان و اوضاع واحوال

حقوق این مقامات نیز بالا و پائین میرفت و اینک از نظر بررسی موضوع خودمان مشهورترین مقامات دولتی آن ایام و میزان حقوق آنرا بررسی میکنیم.

### حقوق عمال (والی) در زمان عمر

حقوق والی ماهی ششصد درهم بود و پس از وی با اهمیت شخص والی و محل فرمانروایی او حقوق والی کم و زیاد میگشت، مثلاً خود عمر همینکه معاویه را بشام فرستاد سالی هزار دینار برای او حقوق تعیین کرد، در زمان بنی امیه آن میزان و مقیاس برهم خورد و کار بهرج و مرج کشید و حقوق والیان از روی نظر شخص خلیفه تعیین میگشت و عمده توجه بر این بود که والی در جنگ با علویان و خارجیها (مخالفین خلیفه) چه نوع اقدام می کرد و چه کارهایی از نظر مساعدت با خلیفه انجام میداد و بهمان میزان حقوق او بالا و پائین میرفت و چه بسا که مملکتی را درست با اختیار يك والی میگذارند و از او درآمد و مالیاتی نمیخواستند و باین ترتیب والی را تحت نفوذ در می آوردند ولی این وضع مخصوص بممالک مهمی مانند مصر و عراق عرب و عراق عجم و خراسان بود و در ولایتهای کوچک اعمال نمیشد، مثلاً در زمان بنی امیه حقوق یزید بن عمر و بن هبیره والی عراق بهمان جهات بسالی ششصد هزار درهم رسید و درآمد خالد قسری در همان سال سیزده میلیون درهم می شد. ولی این قسمت غیر در آمد شخصی بوده و جزء حقوق قلمداد نمیشود.

والیان بزرگ (استانداران) فرمانداران کوچکی تحت اختیار داشتند، مثلاً حجاج والی عراق و عمرو عاص والی مصر طبعاً عدد زیادی مأمور زیر دست را اداره میکردند و حقوق اینان معمولاً از ماهی سیصد درهم بیش نبود و تا زمان مأمون میزان حقوق بهمین قسم بود، در آن موقع فضل بن سهل وزیر مأمون بمناسبت ازدیاد ثروت و دلجوئی از مأمورین مقیم خراسان که با مأمون همراهی کرده بودند بر میزان حقوق کلیه کارمندان افزود. ولی این افزایش حقوق بمیزان اهمیت کار و اهمیت محل کار و رضامندی خلیفه بالا و پائین میرفت، مثلاً چون فضل بن سهل در جنگ امین و مأمون با مأمون همراهی بسیار کرده بود و عامل مؤثری در شکست امین محسوب میشد مأمون برای قدر دانی از خدمات سابق سهل فرمانروایی تمام ممالک شرق را بوی او گذارد. حدود



این ممالک از حیث طول از کوه‌های همدان تا تبس ، و از حیث عرض از خلیج فارس تا دریای خزر و گرگان امتداد می‌یافت . و از طرف مشرق از ممالک ماورای عراق تا هندوستان میرسید. حقوق این فرماندار کل سالی سه میلیون درهم شد و بدستور مأمون بر چمی بر روی نیزه دو شعبه برای او بستند و او را ذوالریاستین لقب دادند و روی یکطرف شمشیر با نقره کلمه فرمانده جنگ و در طرف دیگر فرمانده سیاست نگاشتند و قریب بیست عامل کوچک تحت نظر او گماشتند . ولی این مورد استثنائی بوده و میزان کلی نخواهد بود . بهر حال حقوق مأمورین زیر دست فضل از هزار تا سیصد درهم در ماه بوده چون ابن حوقل نیز حقوق مأمورین ایام منصور بن نوح را بهمین میزان نوشته است . حقوق والیان مهم بسته بنظر خلیفه بوده است و پاره‌ای از آنان حقوقهای گزافی می‌گرفته‌اند ، مثلاً حقوق حسین بن علی ماذرانی والی مصر در اواخر قرن چهارم هجری ماهی سه هزار دینار (یا شصت هزار درهم) بود که سالی ۷۲۰ هزار درهم میشده و همینقسم حقوق دیگران بهمین میزانها بوده است .

حال اگر حقوق عمال آنروز را با حقوق مأمورین عالی رتبه امروز مقایسه کنیم خواهیم دید که حقوق مأمورین آنروز خیلی زیادتر بوده است . مثلاً حقوق والیان (استان داران) امپراتوری عثمانی سه درجه تقسیم میشد از اینقرار :

درجه اول ماهی ۲۵۰ لیره عثمانی . درجه دوم ماهی ۲۰۰ لیره عثمانی . درجه سوم ۱۵۰ لیره عثمانی .

و حقوق نایب السلطنه هند (حکمدار هند) ماهی ۲۰/۸۳۳ روپیه ، یا سالی نیم میلیون فرانک میگردد . و بزرگترین رقم حقوق مأمورین عالی رتبه این ایام محسوب می‌شود ، در صورتیکه بمراتب از حقوق حسین بن علی ماذرانی والی مصر (در آن زمان) کمتر است . مضافاً بر اینکه والیان آنروز مبلغ هنگفتی از تجارت شخصی و غیره استفاده می‌بردند .

حقوق نویسندگان (مأمورین دفتری) - حقوق نویسندگان تازمان مأمون مانند حقوق فرمانداران کوچک از ماهی ۳۰۰ درهم بیش نبود چنانکه گفتیم فضل بن سهل حقوق آنان را نیز اضافه کرد ولی میزان افزایش آن معلوم نیست فقط از روی قیاس

میتوان دانست که مبلغ کلی به حقوق آنها اضافه شده بود. و علاوه بر حقوق جیره های جنسی نیز بنویسندگان میداده اند. مقریزی صورت جیره جنسی نویسندگان دفتری مصر را در دوسه صفحه بقطع این کتاب شرح داده که بنا بر رعایت اختصار از نقل آن خود داری می شود و ممکن است در صورت لزوم به عین کتاب مقریزی مراجعه شود. خلاصه اینکه بطور روزانه و ماهانه مقداری سبزی، ادویه، میوه، شیرینی، عطر، لباس، فرش، بنویسندگان میداده اند.

**حقوق وزیران.** منصب وزارت در زمان عباسیان ایجاد شد و مهمترین وزیران آن دوره بر مکیان بودند و گرچه میزان حقوق آنان معلوم نیست، اما ظاهر آید مقدار زیادی باشد. و از آن گذشته وزیران مزبور همه نوع در اموال عمومی دخل و تصرف میکردند، ضمناً در صورت حساب دوران معتمدی بنیم که حقوق وزیر روزی  $\frac{1}{3}$  دینار یا ماهی هزار دینار میباشد. و هر گاه آن مبلغ را با رعایت میزان ارزش حساب کنیم پول امروز هزار و پانصد لیره میشود که هیچ وزیری در حال حاضر چنین حقوق گزافی نمیگیرد، چه حقوق صدر اعظم عثمانی ماهی هزار لیره و حقوق سایر وزیران ماهی سیصد لیره است. و نخست وزیر انگلستان سالی دو هزار لیره حقوق دارد و حقوق وزیر مصری ماهی ۲۵۰ لیره میباشد.

حقوق وزیران دول اسلام یکسان نبوده و کم و زیاد میشده است، مثلاً حقوق وزیر در زمان ناصر اموی در اسپانیا سالی ۸۰ هزار دینار با اضافه مقاداری هدیه بوده است و حقوق یحیی بن هبیره وزیر مقتفی عباسی در اواسط قرن ششم هجری سالی صد هزار دینار پرداخت میشده است. وزیران دول اسلامی بخصوص وزیران مصری آن زمان علاوه بر حقوق خودشان حقوق های گزافی برای فرزندان و برادران و کسان و اتباع خود مقرر میداشتند، مثلاً حقوق وزیران دولت فاطمی مصر ماهی پنجهزار دینار بوده، بعلاوه فرزندان و برادران وزیران ۳۰۰ تا ۲۰۰ دینار و اتباع وزیران ۵۰۰ تا ۳۰۰ دینار حقوق ماهانه می گرفتند و علاوه بر این حقوق نقدی املاک خالصه و تیول هم در تصرف داشتند و روزانه مقداری جنس (میوه و سبزی و ادویه و غیره) جیره میستاندند. مثلاً ابن عمار وزیر العزیز بالله فاطمی برای حره سرای خودش و کسانش بمیزان ماهی ۵۰۰ دینار

گوشت و يك سبد میوه بقیمت يك دینار و ده رطل شمع بقیمت یک دینار و نیم بارخرها جیره میگرفت .

در زمان خلفای راشدین حقوق قضات ماهی صد درهم نقد

### حقوق قضات

و مقداری گندم جیره بوده است . در زمان بنی امیه حقوق

آنان مثل حقوق دیگران اضافه شد و حقوق قاضی مصر در سال ۸۸ هجری بسالی هزار

دینار رسید یعنی ده برابر حقوق دوره راشدین شد . در زمان عباسیان حقوق قاضیان

کسر شد چنانکه در زمان منصور حقوق قاضی ماهی سی دینار بوده سپس حقوق آنها

افزایش یافته در زمان مأمون (۲۱۳ هجری) بماهی ۴ هزار درهم یا ۲۷ دینار رسید، در زمان

ابن طولون بسالی هزار دینار بالغ شد .

از حقوق قضاة بغداد در اوایل حکومت عباسی مدرکی موجود نیست . اما در

صورت حساب معتضد حقوق قاضی روزی ۱۶۰ دینار تعیین شده که ماهی پانصد دینار

میشود و حقوق فقهاء و دستیاران قاضی هم جزء آن بوده است و نسبت بحقوق قضاة

امروز مبلغ زیادی بوده چون حقوق شیخ الاسلام آستانه از ماهی ۵۰۰ لیره بیش نمیباشد

و بارعایت قیمت از امروز و آروز حقوق آن ایام زیاد بوده است .

حال که دانستیم خلیفه برای همه کارمندان دولتی حقوق

### حقوق خلفاء و اعضای

تعیین میکرد طبعاً برای خودش هم که صاحب اختیار بیت-

### خاندان خلافت

المال بوده حقوقی مقرر میداشته ولی مدرک صریحی در این

باب بدست نیامده همینقدر میدانیم که خلفاء بکسان و نزدیکان خویش اموال و املاکی

می بخشیدند و بیشتر در آغاز تاسیس هر سلسله این بذل و بخشش ها انجام میگرفت تا

بدان واسطه از شورش و عصیان اقوام جلو گیری کنند و با پول و ملک بیعت را بخرند، چنانکه

منصور بیعت عیسی بن موسی را برای پسر س مهدی بمبلغ یازده میلیون درهم خرید و بخودش

و پسرانش اعطاء کرد. گاه هم این بذل و بخشش ها برای آن میشد که از کسان خود کمک

بگیرند چنانکه منصور برای اولین مرتبه بهر يك از عموها يك میلیون درهم داد و آنانرا

بخود جلب نمود و همینکه مهدی را اجل فرا رسید بموجب وصیت نامه برای هر يك از

کسانش سالی شش هزار درهم مستمری قرارداد که ظاهراً مدت های متمادی دریافت

میداشتند و اضافه بر آن مقرری املاك و اموال بسیاری بعنوان بخشش می گرفتند، پسران خلیفه و ولیعهدان خلیفه نیز مبالغ بسیاری هدیه و حقوق می گرفتند. مثلاً همینکه هادی



شمعدان مسی ساخت شیراز قرن هفتم هجری

در سال ۱۷۰ درصد بر آمد هرون را از ولیعهدی بر کنار کند يك ميليون دينار و نصف مالیات یکساله مملکت را باو بخشید.

ظاهراً هر دو هم مبلغی بر حقوق کسان خویش اضافه کرد، همینقسم مأمون هم تصور می‌رود حقوق کسان خود را مثل حقوق کارمندان دولتی زیاد کرده در آن موقع اعضای خاندان عباسی بسی هزار بالغ شده بود و همین که مستعین در سال ۲۴۸ خلیفه شد تمام مستمری و مقرری معتز را بسالی بیست هزار دینار و از آن مؤید را به پنج هزار دینار خرید و هر دو را بزندان انداخت.

در زمان ابن رائق امیر الامرای بغداد در اوایل قرن چهارم هجری دست خلفاء از بیت المال قطع شد و بزرگان دولت همه کاره شدند و نخستین خلیفه‌ای که باین بدبختی دچار گشت الراضی بالله بود که در سال ۳۲۹ در گذشته است. از آن موقع سران سپاه و رجال کشوری امور مالی را در دست گرفته و خلفاء را بکناری انداخته حقوق مختصری برای آنان تعیین می‌کردند.

ظاهر اختلافی صدر اسلام حقوق معینی دریافت نمیداشته اند و در آمد آنان عبارت از سهمیه غنیمت‌هایی بود که بدست مسلمانان میرسید، فقط برای ابوبکر حقوقی بمبلغ شش هزار درهم معین گشت که با فراغ بال بکار مسلمانان رسیدگی کند. از آن پس تا زمان ابن رائق از حقوق خلیفه چیزی نمیشنویم و همینکه معزالدوله دیلمی در ۳۳۴ هجری بر بغداد دست یافت برای مستکفی خلیفه روزی پنج هزار درهم مقرری تعیین کرد. ولی مرتب باو نمی‌داد و از آن به بعد خلفاء بحال تباہ گدایی افتادند، چنانکه در موقع شرحش بیاید.

در عصر حاضر میزان حقوق پادشاهان و خانواده آنان غالباً معین و معلوم است و در ممالک متمدن دنیا حقوق مزبور در بودجه سالانه منظور میشود و اینک حقوق سالانه خاندان سلطنتی انگلستان در سال گذشته (۱۹۰۲)

### لیره انگلیسی

### شرح

۱۱۰/۰۰۰

حقوق ادوار پادشاه انگلیس

۱۲۵/۸۰۰

کارمندان کاخ سلطنتی

۱۹۳/۰۰۰

هزینه کاخ سلطنتی

شرح	لیره انگلیسی
سایر مخارج متفرقه و مقرری‌ها	۴۱/۲۰۰
جمع حقوق شاه و دربار	۴۷۰/۰۰۰
حقوق افراد خاندان سلطنتی	۱۶۰/۰۰۰
<b>جمع کل ۶۳۰/۰۰۰ لیره انگلیسی</b>	

## حقوق سال گذشته خاندان خدیوی مصر

شرح	لیره (گینه) مصر
حقوق خدیو مصر	۱۰۰/۰۰۰
افراد خانواده خدیو	۹۷/۹۲۷
حقوق افراد کابینه خدیو	۵۷/۴۳۴
<b>جمع کل ۲/۵۵/۳۶۱ گینه مصری</b>	

اعلیحضرت سلطان عثمانی با استثنای هزینه‌ها و مزایای دیگر ماهی ۷۵ هزار یا سالی نهصد هزار لیره حقوق می‌گیرد (میگرفته است . مترجم)

مقصود از اطرافیان خلیفه کارمندانی هستند که مانند پزشک و دربان و گارد مخصوص مراقب شخص خلیفه بودند و بکارهای دولتی نمیرسیدند و از بیت المال خصوصی خلیفه حقوق داشتند و گاه از بیت المال عمومی نیز حقوق دریافت می‌داشتند مثلاً جبرئیل بن بختیشوع پزشک مخصوص رشید مستمری و مقرری نقد و جنس داشته که از بیت المال عمومی و بیت المال خصوصی میگرفته است و اینک صورت مقرری پزشک مزبور که بخط منشی جبرائیل تنظیم شده بود .

مقرری اطرافیان  
خلیفه

**(حقوق و مستعمری سالانه از نقد و جنس)**

جبرائیل بن بختیشوع پزشک مخصوص رشید

**از بیت المال عمومی**

درهم	
۱۲۰/۰۰۰	حقوق نقد
۶۰/۰۰۰	جیره
<hr/>	
جمع کل ۱۸۰/۰۰۰	درهم

**از بیت المال خلیفه**

درهم	
۵۰/۰۰۰	حقوق نقد
۵۰/۰۰۰	لباسی که بهای آن تعیین شده بود
۵۰/۰۰۰	هدیه عیدروژه مسیحیان
۱۰/۰۰۰	خلعت روز شعانین (۱) بقیمت
۵۰/۰۰۰	انعام عید فطر نقد
۱۰/۰۰۰	خلعت بها
۱۰۰/۰۰۰	انعام برای فصد هر ون از قرار هر مرتبه پنجاه هزار درهم، سالی دو مرتبه
۱۰۰/۰۰۰	انعام برای دو دادن بهره هر مرتبه پنجاه هزار درهم سالی دو مرتبه

**آنچه از گمان خلیفه میگرفته است****نقد و خلعت و عطریات**

۵۰/۰۰۰	}	نقد	از عیسی بن جعفر
۵۰/۰۰۰			از زبیده ام جعفر

۱- توضیح راجع به این کلمه سابقاً گفته شد. مترجم.

درهم	
۵۰/۰۰۰	از عباسه
۳۰/۰۰۰	از ابراهيم بن عثمان
۵۰/۰۰۰	از فضل بن ربیع
۷۰/۰۰۰	از فاطمه ام محمد
۱۰۰/۰۰۰	چهارپا و عطریات و خلعت
۴۰۰/۰۰۰	جمع کل

## از براء مکه

۶۰۰/۰۰۰	از یحیی بن خالد
۱/۲۰۰/۰۰۰	از جعفر بن یحیی وزیر
۶۰۰/۰۰۰	از فضل بن یحیی

## جمع کل ۲/۴۰۰/۰۰۰

۸۰۰/۰۰۰	عایدی املاك شخص جبرائیل
۷۰۰/۰۰۰	عایدی املاك خالصه جبرائیل

## جمع کل ۱/۵۰۰/۰۰۰

جمع کل عایدات سالانه جبرائیل پز شاک مخصوص هر ون ۴۹۰۰۰/۰۰۰ درهم . پس اگر طیب مزبور سالی چهار میلیون و نه صد هزار درهم از دستگاه خلیفه برداشت می کرده در مدت بیست و سه سال که دوره خدمت او بوده ۱۱۲/۷۰۰/۰۰۰ درهم عایدی داشته است .

از مبلغ مزبور بیست و چهار میلیون درهم بابت پرداختی خاندان برمکیان در مدت ده سال اخیر که آنان از بین رفتند طبعاً کسر میشود و بقیه مبلغ ۸۸/۷۰۰/۰۰۰ درهم عایدی خالص برای وی باقی مانده است . و علاوه بر آن مبلغ البتہ فوق العاده ها و انعام های کپلانی نیز از بیت المال گرفته بوده است .

اما مخارج جبرائیل مطابق صورت حساب منشی مخصوص او بقرار زیر است :



۲۷/۶۰۰/۰۰۰	} ۱- بابت خرج خود و افراد خانواده اش از قرار سالی ۱/۲۰۰/۰۰۰ درهم در ۲۳ سال
۷۰/۰۰۰/۰۰۰	
۸/۰۰۰/۰۰۰	۳- مزد کارگران (پزشکی) و تهیه دارو و غیره در ۲۳ سال
۱۲/۰۰۰/۰۰۰	۴- بهای خرید املاک برای ملازمان و خواص خودش
۵/۰۰۰/۰۰۰	۵- بهای جواهرات و مقدار پس انداز
۳/۰۰۰/۰۰۰	۶- بذل و بخشش و نیکو کاری
۳/۰۰۰/۰۰۰	۷- آنچه امانت داران بالا کشیدند و باو ندادند

### جمع کل ۱۲۸۱۶۰۰/۰۰۰ درهم

(در اصل جمع کل مخارج ۹۰۰/۰۰۰ دینار و ۹۰/۶۰۰/۰۰۰ درهم ذکر شده

است)

حقوق سایر اطرافیان خلیفه را در آن روزها میتوان از همین میزان دانست چون در آمد رئیس گارد مخصوص هر ون سالی سیصد هزار درهم و در آمد رئیس یاسبانان پانصد هزار درهم و رئیس دربانان يك ميليون درهم بوده است . . .

در جلد اول این کتاب در قسمت مربوط به سپاهیان گفته شد

که آن موقع همه مسلمانها سپاهی بودند و نیز گفته شد که

### حقوق سپاهیان

عمر با رعایت سابقه اسلام و خویشاوندی با پیغمبر برای هر کس حقوقی مقرر داشت و در اوایل حکومت بنی امیه آن حقوق افزون گشت و در اواخر حکومت آنان کم شد، سپس در وایل عباسی فزوننی یافت و مجدداً کم شد تا آنکه در زمان مأمون حقوق هر سپاهی پیاده بسالی ۲۴۰ درهم تثبیت گشت ولی هر گاه جنگی واقع میشد غنیمت سپاهی بخودش میرسید. ظاهر ادرا وایل دوره عباسیان غنیمت های جنگی را بسپاهیان نمیدادند تا آنکه در سال ۱۹۸ سپاهیان غنایم را مطالبه کردند. غنایم مزبور بشرط اینکه سپاهیان بجنگ بروند میان آنها تقسیم گشت و بهر کدامشش دینار رسید و همینکه امین و مأمون بایکدیگر نزاع

میکردند هر کدام پول بیشتری بسپاهیان میدادند و چون در سال ۱۹۵ سپاهیان طاهر - بن حسین بر سپاهیان علی بن عیسی بن ماهان پیروز شدند مأمون حقوق سپاهیان را افزوده ماهی ۸۰ درهم (سالی ۹۶۰ درهم) قرار داد. یعنی بهمان میزان زمان سجاج نسبت کرد ولی پس از استقرار امنیت حقوق سپاهی بسالی ۲۴۰ درهم باز گشت.

در سال ۲۱۸ که معتصم خلیفه شد چنانکه گفتیم دستگاه خلافت

### افشین و بابک

نظر بجهات مذکور در آن قسمت در بعضی گزارده معتصم ترکان

و فرغانی ها و مغربی ها را دور خود جمع کرد و در نتیجه نفوذ و قدرت بدست لشکریان افتاد و آغاز استیلاي لشکریان بواسطه ظهور بابک خرمی در آذربایجان و ارمنستان پدید آمد. بابک خرم دین در زمان مأمون خروج کرده آئین تازه ای بر اساس اباجه آورد (۱) مأمون مکرر سپاهیان بچنگ او فرستاد ولی همگی شکست خورده باز آمدند، معتصم که بخلافت رسید کار بابک را بسیار خطرناک دید و بسر کوبی او همت گماشت و سپاهیان ترک خود را بسر کردگی ترکی موسوم به حیدرین کاوس افشین بچنگ وی فرستاد. (۲۲۰ هجری) و پس از وی سردار ترک دیگری را بنام بغای بزرگ مأمور آن مهم نمود بعد از آن جعفر خیاط و سپس ایتاخ را باسی میلیون درهم برای مخارج قشون کشی روان داشت افشین پس از دو سال کارزار با پول و حيله بر بابک دست یافت و او را با سامراء آورد، و ائق بن معتصم و سایر افراد خاندان خلافت به پیشوا از افشین آمدند و باور نمی کردند که از خطر بابک نجات یافته اند، زیرا بابک سراسر امپراطوری اسلام را بوحشت انداخته بود و در ظرف بیست سال شورش ۲۵۵/۵۰۰ نفر کشته اموال بسیاری را بغارت و یغما برده بسیاری از سرداران مأمون و معتصم را شکست داده بود، از آنرو گرفتاری بابک برای معتصم پیروزی بزرگی بشمار میرفت و دستور داد بابک را که مرد تنومندی بود سوار فیل کنند و در شهر گردانیده نزد او بیاورند و همینکه بابک فیل سوار بر معتصم وارد شد بامر معتصم شمشیر دار دست و پای بابک را برید، پس از آن بابک از فیل بزمین افتاد معتصم بشمشیر دار فرمان داد تا سر بابک را ببرد و شکمش را پاره کند، آنگاه سرش را بخراسان

۱- بابک خرم اصلا اهل مداین بوده و بایدرش بآذربایجان رفته در محلی موسوم به بلال آباد اقامت گزیدند. سپس در خراسان قیام کرده ادعای نبوت نمود و تعلیماتی حاکی از تناسخ حلول و رجعت انتشار داد و در زمان معتصم عباسی با حيله و مکر افشین سردار ترک عباسیان کارش ساخته شد. مترجم

فرستاده تنش را در سامرا بدار آویخت . معتصم آنروز را جشن گرفت و با افشین و همراهان او محبت ها کرد و از روزی که افشین از سامرا رفت تا روزی که بسامرا برگشت هر روز یک دست خلعت و یک اسب برای افشین میفرستاد و علاوه بر انعام و خواربار و جیره هر روزی که افشین در برابر بابک سواره جنگ میکرد، ده هزار درهم و روزیکه سوار نمیشد پنجاه هزار درهم فوق العاده میپرداخت و همینکه افشین بسامرا رسید معتصم بدست خود دو نشان جواهر بوی آویخت و بیست میلیون درهم باوانعام داد تا نصف آنرا برای خود بردارد و نصف دیگر را میان سپاهیان خود تقسیم کند ، همچنین فرمان حکومت سند را برای وی امضاء کرد و شاعران را وادار ساخت به خدمت افشین بروند و او را مدح بگویند .

البته افشین هم برای این همه پول و خلعت و جاه و مقام بجنگ بابک رفت و آنچه را هم که از نقدینه و جنس در میدان کارزار با افشین میرسید مرتباً بشهر خود میفرستاد . ابن طاهر والی خراسان بخوبی از این جریان آگاه بود و هر موقع پولها و هدیه های افشین از راه خراسان بطور محرمانه بشهر اشروسنه موطن افشین درها و راه النهر حمل میشد جاسوسان چگونگی آنرا بوالی خبر میدادند و والی خراسان هم مراتب را بمعتصم گزارش میداد ، معتصم هم از والی تقاضا داشت که با کمال دقت مراقب این ارسال و مرسول باشد تا آنکه موقعی افشین اموال بسیاری توسط دوستان خود در انبانیها انباشته بمقصد اشروسنه حمل کرد ، والی خراسان عبدالله بن طاهر که مراقب کار بود مأمورینی فرستاده آن اموال را ضبط کردند و همینکه مأمورین اظهار داشتند این اموال متعلق با فشین میباشد ابن طاهر گفته آنها را رد کرده گفت افشین بچنین عملی مبادرت نمیکند شما باو تهمت میزنید و این اموال را بذردی میبرید از همان موقع میان ابن طاهر و افشین کدورت سختی پدید آمد که بالاخره بحبس افشین منتهی گشت و در محاکمه وی (بنا بگفته ابن اثیر) محقق گشت که افشین بدروغی و برای پول در آوردن از خلیفه مسلمان شده و باطناً بدین مجوس باقی است .

وضع سایر سرداران و افراد برجسته سپاهیان معتصم را باید از همین جادریک کرد که هیچکدام آنان جز انباشتن پول و فرستادن آن بشرق دورهدفی نداشته اند و پر واضح است که اگر روحیه سران سپاه چنین باشد اوضاع آندولتی که بچنین سپاهی

متکی است تا چه اندازه مختل و درهم برهم میشود .  
 آری خلفای آن دوره جز زور سپاهیان و سیله‌ای برای نگاهداری خود نداشتند  
 و آنان هم چنانکه گفته شد هدفی غیر از پول نمیدانستند و از هر جا که تصور میرفت پول  
 بدست می‌آوردند و بنام حقوق و انعام و هدیه تسلیم سران سپاه میکردند . چنان که  
 بعد از معتصم نیز سایر خلفاء برویه او ادامه دادند .

اما معتصم شهر سامراء را مخصوص سپاهیان بنا کرد و املاك و مزارعی در اطراف  
 سامراء بآنان واگذار و کنیز گانی خریده ب عقد سپاهیان در آورد و آنان را از مزاجت  
 با بیگانگان منع کرده مقرر داشت میان خود ازدواج کنند و نام کنیز کان ترك را در  
 دفاتر دولتی ثبت نموده برای هر کدام حقوق معین ترتیب داد و تركان را از طلاق دادن  
 همسران و یا جدا شدن از آنان بشدت منع نمود . و البته پرداخت این همه حقوق  
 و مقرری زنانه و مردانه سپاهیان ترك تحمیل بزرگی بر بودجه مملکتی بود . طبری در  
 ضمن وقایع سال ۲۵۲ راجع بفزونی هزینه سپاهیان چنین می‌نویسد: « در این سال حقوق  
 سپاهیان ترك و مغربی و شاکری را تخمین زدند و معلوم شد که بالغ بر سالی دو بیست  
 میلیون دینار می‌شود و این مبلغ مساوی با درآمد دو ساله تمام مملکت می‌باشد » .  
 ولی احتمال قوی میرود که منظور دو بیست میلیون درهم ( نه دینار ) بوده است  
 چه اگر ما آن مبلغ را از قرار دیناری بیست درهم بنرخ امروز تبدیل بدرهم کنیم در  
 آمد کشور سالی دو بلیون درهم می‌شود ، در صورتی که حداکثر درآمد ( مالیات ) ممالک  
 اسلامی در دوره عظمت و قدرت آن از چهار صد میلیون درهم تجاوز نمی‌کرد ، در هر  
 حال پرداخت سالی دو بیست میلیون درهم برای سپاهی مبلغ هنگفتی میباشد بخصوص  
 اگر ارزش پول آن روز را نیز بحساب بیاوریم . اما در عصر حاضر مقتضیات تمدن جدید  
 چنین ایجاب کرده که مبالغ گزافی بمصرف ارتش می‌رسد ، بخصوص که هزینه ناوهای  
 جنگی نیز بر آن افزوده گردد و هر ساله از بودجه دولت‌ها پول فراوانی صرف تجهیزات  
 و تسلیحات میگردد ، مثلاً دولت بریتانیا سالی چهل میلیون لیره یا يك بلیون فرانك به  
 مصرف ارتش می‌رساند . و بودجه جنگی فرانسه و روسیه هم بهمین مقدارها میرسید  
 البته این مبالغ با محسوب داشتن تفاوت پول آن روز و امروز باز هم دو برابر بودجه سپاهیان

دولت عباسی می باشد و اینکه هزینه سپاهیان عباسی در نظر ما زیاد آمده برای آنستکه سپاهیان مزبور علاوه بر حقوق معمولی غارتگری های بسیار داشتند و از راه های مختلف استفاده های کلانی میبردند. مثلاً سپاهیان دولت عباسی در غالب موارد با کمترین بهانه ای اموال و اشیاء مردم را از خانه ها و دکانهايشان بغارت می گرفتند و خلفای عباسی هم بجای تنبیه سپاهیان و استرداد اموال غارت شده صاحبان مال را امانت می کردند که چرا کالاهای خود را در جای امن نگاه نداشتند که از دستبرد سپاهیان محفوظ بماند!

خلفای عباسی با وسایل مختلف حرص و طمع سپاهیان را تحریک می کردند و حتی در میدان جنگ به آنان می گفتند: که اگر فلان عمل را انجام دهید فلان مبلغ بشما جایزه میدهیم! و هر موقع که خلیفه یا امیر از ناتوانی بیقرار می شد جارجی او میان سپاه جار میزد که هر کس اسیری بیاورد ده دینار و هر کس سری آورد پنج دینار جایزه میگیرد! چنانکه: مقتدر در سال ۳۲۰ هجری چنین کرد. حقوق معمولی و رسمی سپاهیان عباسی مطابق صورت تنظیمی ایام معتضد قریب سی میلیون درهم و یک میلیون و نیم دینار در سال بوده است. سپس کارتر کان بالا گرفت و عده آنان افزون گشته حقوقشان اضافه شد. بقسمی که تعیین ارقام دقیق آن مقدور نیست زیرا با تغییر اوضاع و احوال حقوقها تغییر میکرده است و گذشته از آن مورخین در این باره سکوت کرده اند. فقط در طی پاره ای مطالب تاریخی ارقامی از آن بابت بدست می آید.

مثلاً در سال ۳۱۷ هجری شماره گارد پیاده سرای خلیفه (مقتدر) به بیست هزار رسیده بود و حقوق تمام آنها ماهی دوازده هزار دینار بوده که بهر نفری شش دینار میرسید. و گارد سواره سرای خلیفه دوازده هزار نفر میشد و حقوق ماهانه کلیه آنان ماهی نیم میلیون دینار بوده که بهر يك ماهی ۴۲ دینار میرسید و از آنقرار هر سپاهی پیاده سالی ۱۴۴۰ درهم و سواره دوازده هزار درهم حقوق داشته است، اما سپاهیان باین حقوق اکتفاء نمی کردند و هر چند روز یکبار شورش کرده پول بیشتری می خواستند و اگر پول نمی رسید خلیفه را بکشتن تهدید می کردند، گاهی هم بخانه خلیفه دریخته او را بر کنار می ساختند و هر کس را که میل داشتند بجای او مینشانند و اگر از جانی پول می رسید به لیا را به ای خود برداشته مبلغ ناچیزی بخلیفه یا بیت المال میدادند، چنانکه شاهد

و آتماش در زمان مستعین کارشان چنین بود - ۲۴۹ هجری .

همانطور که سران سپاه بر خلیفه شوریده از وی پول میخواستند افراد سپاهیان بر سران خود بیاعی شده پولهایی که بنام آنها گرفته میشد مطالبه میکردند و اگر بحر فشان گوش نمیدادند آنها را میکشیدند . مثلاً در سال ۲۵۳ هجری سپاهیان ترك و فرغانی و اشروسنه بر سرداران خود شوریده حقوق چهار ماهه خود را مطالبه کردند و سه تن از سرداران بنام : بغا، وصیف، سیما، باشورشیان روبرو شدند و از آن میان وصیف بشورشیان تندی کرده گفت : «پول نداریم، بروید خاك بخورید» هنو زاین سخن در دهان وصیف بود که یکی از شورشیان بیرون جسته و پرا کشت . گاه هم سپاهیان شکایت پیش خلیفه میآوردند که بسیاری از املاک خالصه و تیول بواسطه زیادی مالیات ویران گشته و سران سپاه نسبت بحقوق سابق خود اضافات و کمات خرجهای فراوانی گرفته اند و برای زنان خود مقرریها وضع کرده اند و بیگانگان را در میان سپاهیان آورده اند و در نتیجه بیشتر اموال دولتی را از برده اند و در پایان از خلیفه میخواستند که برادر خود را بر داری آنان بگمارد .

**حقوق سپاهیان فعلی** اگر حقوق سپاهیان اسلامی را بطور متوسط از زمان خلفای راشدین تا اواخر عباسی با حقوق سپاهیان امروز مقایسه کنیم خواهیم دید که حقوق سپاهیان اسلام بمراتب زیادتر بوده است، چه که حقوق سپاهی در زمان راشدین سالی از ۳۰۰ تا ۵۰۰ درهم بوده و در زمان بنی امیه هزار درهم شده است و در دوره عباسیان کم و زیاد شده، در زمان مقتدر چنان شد که سواره سالی دوازده هزار درهم و پیاده سالی ۱۴۴۰ درهم میگرفت ، این حقوق افراد سپاهی در آن زمان بود ، ولی اکنون دولت انگلستان بسر باز پیاده روزی يك شلینگ، سواره روزی يك شلینگ و نه پنس میدهد . یعنی حقوق سالانه پیاده سالی ۴۵۵ فرانک یا درهم و سواره ۸۰۰ فرانک یا درهم میباشد . چیزی که هست آرتش انگلیس هنگامی مختلفی دارد که حقوق هریک از آن هنگامها بادیگری متفاوت است ولی در هر حال نسبت بحقوق آرتش سایر دول زیادتر است اما نسبت بحقوق سپاهیان دولت عباسی کم و ناچیز است بخصوص اگر ارزش پول امروز و آن روز را در نظر بیاوریم .

واما از دیاد مبلغ بودجه آرتش امروز برای آنست که در آرتش فعلی ممالک متمدن دنیا تعداد افسران زیاد و حقوق آنان بالنسبه بسیار است اگر چه میزان حقوق افسران آنروز آرتش اسلام بر ما معلوم نیست .

اینک صورت حقوق و درجات آرتش انگلیس و مصر و عثمانی از افراد عادی تا درجه سپهبدی که عالی ترین مقام نظامی است .

### حقوق آرتش انگلیس به لیره و شلینگ و پنس در روز (۱)

پیاده	سواره	درجات نظامیان
پ-ش-ل	پ-ش-ل	
۸ - -	۸ - -	سپهبد
۵-۱۰	۵-۱۰	سر لشکر
۳ - -	۳ - -	سرتیپ اول
- ۱۸ -	۱-۱-۶	سرتیپ دوم
- ۱۸ -	۱-۱-۶	سرتیپ سوم
- ۱۳-۷	- ۱۵ -	سرهنگ
۱۱-۷	۱۳	سروان
۶-۶	۷-۶	ستوان یک
۵-۳	۶-۸	ستوان دو
- ۱	۱-۹	سپاهی

### حقوق آرتش عثمانی در ماه

سپهبد	۲۵/۰۰۰ قروش	سرگرد	۸۰۰ قروش
سر لشکر	۱۰/۰۰۰	سروان	۵۰۰
سرتیپ اول	۶/۰۰۰	ستوان یک	۲۵۰
سرتیپ دوم	۲/۵۰۰	ستوان دو	۲۰۰
سرتیپ سوم	۱/۸۰۰	سرباز	۲۰
سرهنگ	۱/۲۰۰		

## حقوق آرتش مصدر در ماه

سپهبد	ندارد	سرگرد	۱/۵۰۰ فروش
سرلشکر	۷/۵۰۰ فروش	سروان	۹۰۰
سرتیپ اول	۶/۵۰۰	ستوان یکم	۶۰۰
سرتیپ دوم	۴/۷۰۰	ستوان دو	۵۰۰
سرتیپ سوم	۳/۰۰۰	سرباز	۳۰
سرهنگ	۲/۵۰۰		

## مقرری ها و مستمری های دیگر

سیاست آنروزها چنان بود که زبان و قلم و قدم مخالفین (خلفا) را با پول بنفع خود برگردانند، چه که عده‌ای از علویان و خوارج و مانند آنان پیوسته از گوشه و کنار بمخالفت برخاستند و مانند همیشه کسانی بودند که بمقام خلافت حسد میورزیدند و منتظر فرصت میشدند تا حمله خود آغاز کنند، در آن دوره رجز خوانی و خطابه سرائی بیش از مطبوعات امروز در افکار عمومی مؤثر بوده و خلفای خردمند میدانستند که این مدعیان را با مستمری‌های سالانه و ماهانه و جایزه‌های موقت خاموش سازند. چنانکه پادشاهان و سیاستمداران امروز با نامه نگاران همین معامله را مجری میدارند و با پرداخت مقرری سالانه آنها را آرام و خاموش میکنند و یا آنانرا وادار میسازند که بوسیله نگارش افکار عمومی را برانگیزند و دسته‌های مختلف را متحد سازند، شاعران و خطیبان آنروز مانند نامه نگاران امروز بودند و از آنرو عجب نیست که خلفاء برای جلب رضایت آنان پول خرج کنند.

نخستین کسی که در اسلام این رسم را معمول داشت معاویه بود که فحش و ناسزا بگوش خود میشنید و کیفیر آنرا پول میداد و از این جهت در اصطلاح آنروزها

۱- بک لیره بیست شلینگ و بک شلینگ دوازده پنس است. مترجم

۲- صد فروش بک لیره یا گینه. مترجم

۳- تطبیق درجات آرتش در ترجمه فارسی بطور تقریب میباشد. مترجم



جایزه شاعر را زبان بری میگفتند ، همینقسم نسبت بمردمان آبرومند با نفوذ رفتار میکردند ، خلفای بعد از معاویه نیز این روش را تعقیب کردند و برای سران خاندان هاشم و ابوطالب مقرری تعیین نمودند و از کسانی که بیم داشتند بیشتر ملاحظه کرده پولهای زیادتری میدادند و غالب بخششهای خلفا بشعراء و اشخاصی که بدیدن آنها میرفتند روی همین نظرها بوده است .

بعضی اوقات باشخاص بانفوذ پولهایی میدادند تا آنان نفوذ خود را برای یاری خلیفه و مخالفت با رقیبان خلیفه بکار برند ، مثلاً در سال ۳۸۱ علی بن حسین مغربی که مرد بانفوذی بود از بغداد (از پیش خلفای عباسی) بمصر تردد عزیز فاطمی آمد عزیز بالله سالی شش هزار دینار برای او مستمری برقرار کرد و او را جزء شیوخ مملکت (مثلاً سناتور) معرفی نمود ، گاه هم این بذل و بخششها برای دستگیری از ناتوانان بود چنانکه در اوایل دوره چهارم هجری برای یینوایان آبرومند حقوقی ماهانه تعیین شد که در زمان کافور اخشیدی مبلغ آن بسالی نیم میلیون دینار رسیده بود و البته سپاهیان و کارمندان دولت و درباریان از آن محروم بودند و احتمال کالی میرود که عباسیان نیز چنین بخششهایی داشته اند .

علاوه بر این مستمری ها عده زیادی که شماره آنان بچند هزار میرسید بنام اطرافیان و هواخواهان و «ارادتمندان» گرد خلیفه و امیران و وزیران و بزرگان جمع میشدند و مقرری های گزافی از آنان میگرفتند که البته محل پرداخت آن از بودجه دولتی بوده است .

دولت عباسی در دوره قدرت و ثروت ، حقوقهای گزافی برای

### شماره ماهها

طبقات مختلف و اطرافیان و مأمورین مقرر داشت بدون اینکه

بسنگینی این بار توجه کند و همین که در آمد دولت روبه تنزل رفت و کسر بودجه پیش آمد خلفاء دچار محذور بزرگی شدند ، چه قطع آن مقرریها و یا کم و کسر کردن آن مقدور نبود ، زیرا مستمری خواران مانند خود خلفاء بزرگی برتجمل عادت کرده دست از آن برنمیداشتند و اگر حقوق آنان کم و کسر میشد زندگی آنها برهم میخورد